همان تصویری که در روزنامه ایران منتشر شده بود. در این مناطق محروم با کمترین هزینه بهترین جواب را می‌توانید بگیرید. داشتن سرپناه حداقل چیزی است که مردم مناطق محروم نیاز دارند.

وی یکی از مشکلات مردم مناطق محروم دژگاه را نداشتن سردخانه عنوان می کند و می گوید: مردم صیفی‌جات می‌کارند و همه محصولاتشان هم صادر می‌شود. گوجه و خیار و بادمجان در آن‌جا خوب عمل می آید ولی دلال ها با قیمت پایین می خرند و با بسته بندی این محصولات در شیراز آنها را به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس صادر می‌کنند. دلال‌ها سود زیادی به جیب می‌زنند ولی چیز زیادی عاید کشاورزان منطقه نمی شود.

فرجی به حضور حاج محمود در میان کودکان محروم و گرفتن عکس های یادگاری با آنها اشاره کرد و با بیان خاطراتی از آن روزها گفت: « وقتی حاج محمود برای بررسی روند کار به آنجا آمده‌اند بچه‌های کلاس با دیدن ایشان بیرون آمدند. روزی که حاج محمود آمده بودند همه مسئولان شهرستان و استان هم آمدند. حاج‌آقا به یکی از دوستان قدیمی‌شان گفتند این‌همه مسئول برای چی اینجا آمده؟ وقتی این‌همه آدم به خانه افراد محروم می‌رویم حس بدی برای آن‌ها ایجاد می‌شود. من همراه بچه‌های گروه جهادی می‌روم و آن‌ها توضیح می‌دهند و نیازی به این‌همه مسئول نیست. به‌خاطر دارم حاج‌آقا حتی به مسئولانی که آمده بودند گفتند اگر وسط روز کاری آمده‌اید چه کسی کار مراجعه‌کنندگان دفتر شما را انجام می‌دهد؟ نیازی به حضور شما نیست. ما منطقه را بلد هستیم و این بچه‌ها از پروژه‌ها اطلاع دارند و برای من توضیح می‌دهند خواهش می‌کنم به محل کارتان برگردید. خدمت شما به مردم این است که کار آن‌ها را راه بیندازید. حاج‌آقا به‌شدت از دوربین فراری است و علاقه‌ای به‌عکس و تصویر و فیلم هم ندارند اما در مناطق محروم با عشق و علاقه با مردم عکس می‌گرفتند. هر کی هم می‌خواست عکس بگیرد قبول می‌کرد. محرم امسال افراد مختلفی در هیأت می‌خواستند با او عکس بگیرند اما قبول نمی‌کرد ولی در نهبندان و مناطق محروم با دل‌وجان با مردم عکس می‌گرفت. یکی از

خانه‌هایی که حاج محمود پیگیر آن بود خانه بچه یتیمی بود که پدر و مادرش در آتش‌سوزی فوت کرده بودند. اهورا هفت سال دارد و با مادربزرگش زندگی می‌کند. وقتی به خانه اهورا رفتیم بلافاصله حاج محمود را شناخت و مادربزرگش از ما پذیرایی کرد. اهورا دوست داشت با حاج محمود عکس بگیرد و جالب اینکه حاج محمود گفت هر مدل عکس دوست داری با تو می‌اندازم. لحظه‌ای فراموش‌نشدنی برای همه ما بود. حاج محمود که دوست ندارد با هیچ مسئولی عکس بگیرد با این بچه ساعت‌ها عکس می‌گرفت.»

وی ادامه داد: « یکی از نکات جالب دیگر هم اسامی چهار مدرسه ای است که در این مناطق ساختیم. خیّرانی که هزینه ساخت مدارس را تقبل کردند یک اسم به ما می‌گفتند و نکته جالب اینکه هیچکدام یکدیگر را نمی‌شناختند. همه آن‌ها از ما خواستند نام حضرت رقیه(س) را سردر مدرسه بنویسیم. نمی‌دانیم چرا این اتفاق افتاد. هر چهار مدرسه به نام حضرت رقیه(س) نام‌گذاری شده‌است و این اسمی بود که خود خیران انتخاب کردند.

فرجی با تأکید بر اینکه تنها چیزی که باعث می‌شود مردم به گروه‌های جهادی اعتماد کنند یک کار زود بازده است، گفت: « امسال می‌خواهیم نحوه کشت کشاورزان منطقه را تغییر بدهیم و یک سردخانه برای آن‌ها احداث کنیم. خودشان را هم در این سردخانه سهیم می کنیم. هزار خانوار در آنجا زندگی می‌کنند و مردم تا زمانی‌که در کار مشارکت نداشته باشند کار جلو نمی‌رود. تنها کارهای زودبازده هم کارهای عمرانی و پزشکی است که باعث اطمینان مردم می‌شود. آن‌جا با ۱۰۰ باب خانه دیگر همه محرومان منطقه صاحب خانه می‌شوند. بخشی از کار را کمیته امداد و بنیاد مسکن تقبل کرده‌اند و امیدواریم به‌خوبی بتوانیم آن را به پایان برسانیم. متأسفانه در اغلب این کارها، همه‌چیز دستوری است ولی در کار جهادی دستور معنا ندارد و باید کار دلی باشد. ۵۲ هزار گروه جهادی ثبت‌شده داریم که می‌توانیم از پتانسیل آن‌ها برای رفع محرومیت استفاده کنیم. مگر چندهزار روستای محروم داریم؟ اگر هر کدام از این گروه‌های جهادی پای کار باشد دیگر محرومیتی باقی نمی‌ماند. در مناطق محروم اگر کار را به خود مردم بسپاریم نتیجه می‌گیریم ولی متأسفانه همه‌چیز را دولتی کرده‌ایم. جمهوری اسلامی ایران به واسطه حضورمردم به وجود آمده و این نقطه قوت است و باید کارها را به مردم بسپاریم اما قدرت مردمی بودن را به چند نهاد محدود کرده‌ایم و همه‌چیز دولتی شده‌است. در همین روستاهای محروم بچه‌هایی را می‌بینی که پابرهنه می‌روند و پوست کف پاهای آن‌ها زمخت شده‌است. در یکی از برنامه‌های گروه جهادی چندروز پابرهنه بودم. می‌خواستم ببینم من هم می‌توانم مثل همین بچه‌ها پابرهنه روزها را سر کنم. روز اول سخت بود ولی عادت کردم. متأسفانه درد محرومیت برای مردم عادت می‌شود و این درد را نمی‌توانند به مسئولان بگویند. مسئولان هم تصور می‌کنند مردم مشکل ندارند و نیازی هم به کمک پیدا نمی کنند. حقیقت تلخ این است که آن‌ها به فقر و محرومیت عادت کرده‌اند.

> وقتی در منطقه محروم دژگاه شروع به کار کردیم حاج محمود بیشتر از همه پیگیر دو باب خانه بودند و می گفتند زودتر این خانه‌ها را آماده کنید و تحویل دهید. یکی از این خانه‌ها برای عروس و دامادی بود که کنار خانه پدر داماد زندگی می‌کردند. آنها سه رج بلوک سیمانی روی هم چیده بودند و با گونی سایه‌بانی درست کرده و آنجا زندگی می‌کردند و دیگری هم خانه پیرزنی که در مرحله فونداسیون رها شده بود